



نقش تربیت دینی خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی

■ فائزه سادات طباطبایی امیری، اکرم محمدیان
کارشناس ارشد امور فرهنگی

مقدمه



در زندگی بشر همواره فرهنگ امری جاری است. افزون بر این، فرهنگ بالنده برای تکامل، باید توانایی تبادل با سایر فرهنگها و جذب ویژگیهای مثبت آنها را داشته باشد. بنابراین، تمام فرهنگها با یکدیگر در تعامل اند تا بتوانند بشر را به پیشرفت مطلوب برسانند.

تبادل فرهنگی ملتها در تاریخ به صورت طبیعی وجود داشته و عاملی برای رشد و پیشرفت پی در پی آنها بوده است. تبادل فرهنگی برای تازه ماندن آموزهها و زندگی فرهنگی بشر، ضروری است و جامعه انسانی را در پیشبرد ارزشها و پیمودن مسیر سعادت یاری می دهد. این جریان فرهنگی، دوسویه است و هنگام قوت و توانایی ملتها صورت می گیرد. در این روند، ملتها با هدف ترویج ارزشهای بشری، به تبلیغ مطلوبها و پسندهای خود می پردازند و گاه از عناصر و مفاهیم برجسته فرهنگهای دیگر، وام می گیرند.

«تبادل فرهنگی» و «تهاجم فرهنگی» در دو جبهه مخالف قرار دارند. تبادل فرهنگی، فرایندی دوسویه و طبیعی است و با رضایت دوطرف صورت می گیرد، ولی تهاجم فرهنگی یکسویه، غیر داوطلبانه و سلطه گرانه است و اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و گاهی نظامی دارد. معرفی، انتقال و جایگزینی ارزشها در تهاجم فرهنگی نیز تحمیلی است. هدف تبادل فرهنگی، به روز کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است، ولی هدف تهاجم فرهنگی،



ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است.

مقاوم سازی نسل در برابر دسیسه ها و قطع زمینه های تهاجم پذیری، در درون خانواده با تربیت صحیح فرزندان امکان پذیر است. در اهمیت خانواده، همین بس که یکی از نهادهای بنیادین جامعه انسانی است که در طول تاریخ، به اشکال گوناگون وجود داشته است. این نهاد با کارکردها و نقش های مختلفی که برعهده دارد در تنظیم زندگی اجتماعی انسان نقش مهمی دارد؛ چرا که انسان در درون خانواده متولد شده، رشد یافته، بسیاری از امور و مفاهیم را فرامی گیرد و همواره با آن سروکار دارد. از این رو، مهمترین تجربه های انسانی که اساسی ترین عوامل شکل دهنده شخصیت اند، در خانواده نمود پیدا می کنند. به همین دلیل، خانواده تأثیر ژرف و شگرفی بر دیگر نهادهای اجتماعی دارد.

همچنین خانواده، مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که پیوسته در حال تأثیرپذیری و تأثیرگذاری دوسویه با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسان در خانواده، به هویت و شخصیت دست می یابد و در خانواده سالم به تکامل معنوی و اخلاقی می رسد. از این رو، خانواده نه فقط عامل کمال بخشی و آرامش و بالندگی اعضای خویش است، بلکه در دگرگونی های اساسی جوامع، نقش مهمی ایفا می کند.

مذهب و حکومت نیز از عملکرد خانواده تأثیر می پذیرند و این تأثیرپذیری، باعث ایجاد دگرگونی می گردد.

با توجه به آنچه بیان شد، مطالب این نوشتار در دو بخش بررسی می گردد؛ در بخش نخست، پدیده تهاجم فرهنگی، ویژگی ها، ابزارها و شیوه های تهاجم فرهنگی در عصر حاضر و نیز برخی از راهکارهای مبارزه با آن بیان می گردد و در بخش دوم، کارکرد خانواده در رشد ارزش ها و باورهای دینی کودکان، نوجوانان و جوانان مطرح و در پایان به نقش کلیدی تربیت اسلامی خانواده در مقابله با پدیده تهاجم فرهنگی اشاره می شود.

فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی

فرهنگ را می توان به دو نوع مادی و معنوی دسته بندی کرد. فرهنگ مادی، شامل پدیده های عینی و ملموس است، مانند آثار هنری، دستاوردهای صنعتی، بناهای تاریخی، خط، موسیقی اما فرهنگ معنوی یا غیرمادی شامل باورها و رسوم، علوم و معارف، ارزش ها و اندیشه ها، اخلاقیات، دانستنی ها می شود.

(روح الامینی، ۱۳۷۲: ۲۴)

به طور معمول، فرهنگ مادی یا تأثیرپذیری از فرهنگ معنوی رشد می کند؛ زیرا نوع نگرش به هستی و جهان و ارزش های حاکم بر جوامع، ساخت ابزار جدید امور زندگی و رفاه اجتماعی را جهت می دهد. برای مثال، شیوه نگرش، ارتباط و معاشرت انسان ها، آنان

انسان در خانواده، به هویت و شخصیت دست می یابد و در خانواده سالم به تکامل معنوی و اخلاقی می رسد. از این رو، خانواده نه فقط عامل کمال بخشی و آرامش و بالندگی اعضای خویش است، بلکه در دگرگونی های اساسی جوامع، نقش مهمی ایفا می کند.



را به سمت ساختاری ویژه در معماری سوق می‌دهد و یا نوع نگرش زنان به حقوقشان، آنان را در انتخاب نوع لباس یا رفتار، رهنمون می‌سازد. (قیصی‌زاده، ۱۳۶۳: ۱۲)

فرهنگ مادی نیز در فرهنگ معنوی تأثیر می‌گذارد. برای مثال، وارد شدن و جای گرفتن فناوری جدید که در شمار فرهنگ مادی است، ارزش‌های جدیدی را با خود می‌آورد و ارزش‌هایی را نیز ویران می‌سازد. (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۱۰)

ویژگی‌های فرهنگ

ویژگی‌های فرهنگ را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. آموختنی و اکتسابی است؛ افراد هر نسل، میراث فرهنگی را از نسل گذشته دریافت می‌کنند و به نسل بعد می‌سپارند.
۲. زنده است؛ جنبه پذیرندگی فرهنگ، مربوط به زنده‌بودن آن است و ایستایی فرهنگ، مساوی با مرگ آن است.
۳. فطرت ثانوی انسان است و به‌خودی‌خود عمل می‌کند. براین اساس است که ارزش‌ها، بایدها و نبایدها و اهداف و عادات، پایه‌های فرهنگ را می‌سازند.
۴. فراتر از سواد و تحصیلات است؛ زیرا با فطرت و سرشت انسان‌ها مرتبط است.
۵. هویت‌دهنده است؛ تنظیم‌کننده روابط اجتماعی و تضمین‌کننده نوع بینش و نگرش فرهنگ‌پذیر است.
۶. نسبی است؛ یعنی متنوع است و تدابیر و روش‌های هر گروه با گروه دیگر متفاوت است. هر قومی تفکر و عادت‌های ویژه‌ای دارد.

۷. منتقل‌شدنی است؛ هر گروه انسانی، میراث اجتماعی (فرهنگ) خود را به دیگران انتقال می‌دهد.

۸. ویژه انسان است؛ فرهنگ، شامل گذر از مرحله‌گریزی به رفتار آموخته است. درواقع، مفهومی تجربیدی از دیدن رفتار انسان‌هاست. (فیاض، ۱۳۷۲: ۳۱-۳۲)

تهاجم فرهنگی

امروزه با توجه به رشد فکری و آگاهی عمومی ملت‌های جهان، سلطه و افزایش مستعمرات، با لشکرکشی نظامی به آسانی امکان‌پذیر نیست و هزینه‌های زیادی را بر مهاجمان تحمیل می‌کند. به همین سبب، از یک قرن پیشتر استعمارگران، روش نفوذ خود را در کشورها تغییر دادند. این کشورها با تبلیغ مذهبی، رواج فناوری، ترویج زبان، انجمن‌های خیریه، ترویج بهداشت، سوادآموزی و... مقاصد خود را دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر نام اهداف خود را سیاست‌های فرهنگی می‌گذارند. هرچند این عناوین از دیدگاه نوع‌دوستی و انسانیت، مورد تردید نیست، ولی تاریخ نشان می‌دهد که با این برنامه‌ریزی دقیق، در پی رشد و بالندگی فرهنگ کشورهای هدف نیستند، بلکه زمینه اسارت کامل فرهنگ، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان را فراهم ساخته‌اند. (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۰۱)

استعمارگران به این نتیجه رسیدند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استتعاله درونی آن است. آنان می‌خواهند ارزش‌های مورد پسند خود را ارزش‌های مترقی جلوه دهند و جایگزین معیارهای بومی و فطری ملت‌ها سازند و از این راه، بدون هیچ دغدغه‌ای، از منافع آینده خود در این کشورها اطمینان داشته باشند. این جمع‌بندی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، مبنای فعالیت‌های سازمان‌یافته گسترده‌ای شده که غرب، آنها را معیارهای تمدن، رشد و توسعه معرفی می‌کند. در فرهنگ سایر ملت‌ها، این اقدامات را با تعابیر مختلفی می‌شناسند که مفهوم مشترک آنها در «هجوم فرهنگی» نهفته است. (خرم، ۱۳۷۸: ۱۵)

جایگزینی فرهنگ بیگانه با فرهنگ خودی، به شکلی هوشیارانه که بتواند ملت و جامعه‌ای را نسبت به فرهنگ خود بیگانه و مطیع غرایز بیگانگان کند، «تهاجم فرهنگی» نامیده می‌شود.

در کتاب‌های دایره‌المعارفی غرب نیز به این مطلب اشاره شده است. میشل پانوف در کتاب فرهنگ جامعه‌شناسی در توضیح اصطلاح «فرهنگ‌پذیری» به این تسلط و استعمار فرهنگی غرب اشاره کرده و می‌نویسد:

این اصلاح را از اواخر قرن گذشته، انسان‌شناسان انگلیسی زبان به کار بردند و مراد از آن، تعیین پدیده‌هایی است که از تماس مستقیم و ادامه‌دار بین دو فرهنگ مختلف نتیجه می‌شوند و از تبدیل یا تغییر شکل یک یا دو نوع فرهنگ، در اثر ارتباط با یکدیگر، حکایت می‌کند. بنابراین، مراد از فرهنگ‌پذیری، جنبه ویژه‌ای از فرایند انتشار آن است. امروزه فرهنگ‌پذیری - گاهی در معنای محدودکننده‌تر - به تماس‌های خاص دو فرهنگ که نیروی نامساوی دارند، اطلاق می‌شود. در این صورت، جامعه غالب که هماهنگ‌تر و یا از نظر تکنیک، مجهزتر است - معمولاً از نوع جوامع صنعتی - به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به فرهنگ حاکم تحمیل می‌گردد. (پانوف، ۱۳۶۸: ۱۷-۱۸)

ویژگی‌های تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی در مقایسه با تهاجم فرهنگی یا اقتصادی، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. تهاجم فرهنگی، نامحسوس، درازمدت و دیرپاست و ریشه‌ای و ژرف است. همه‌جانبه و حساب‌شده بودن، داشتن برنامه و ابزارهای گسترده و فراگیر و کارسازی و خطرناکی از دیگر ویژگی‌های این یورش است. افزون بر اینها، تهاجم فرهنگی همانند کار فرهنگی، آرام و بی‌سروصداست و قربانیان آن بیشتر، جوانان‌اند.

در تهاجم نظامی، دشمن با تجهیزات و امکانات نظامی وارد کارزار می‌شود، ولی در تهاجم فرهنگی، نیازی به لشکرکشی و هزینه‌های هنگفت نظامی نیست. همچنین دشمن در این تهاجم برای تحمیل حاکمیت فرهنگ خود، از همه

ابزارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، روانی و تبلیغاتی بهره می‌گیرد.

در تهاجم نظامی، فقط بخشی از مرزها و سرزمین‌های مجاور در تیررس مستقیم دشمن قرار می‌گیرد، ولی در تهاجم فرهنگی، سلاح‌های ویرانگر دشمن، تا خانه‌ها پیش می‌رود و ذهن و قلب انسان‌ها را نشانه می‌گیرد. به همین دلیل است که پس از جنگ جهانی دوم، آیزنهاور، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، اعلام کرد: «بزرگترین جنگی که در پیش داریم، جنگی است برای تسخیر اذهان انسان‌ها». (هدایت‌خواه، ۱۳۷۷: ۶۲)

شیوه‌های تهاجم فرهنگی

شیوه‌های تهاجم فرهنگی به دو بعد خارجی و داخلی تقسیم می‌شود. در بعد خارجی، مهاجمان با امکانات و موقعیت‌های مختلفی که در گروه‌های بین‌المللی دارند و با استفاده از شبکه‌های گسترده بنگاه‌های تبلیغاتی و سخن‌پرانی خود، می‌کوشند با عناوینی چون نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم، وجود خفقان و سانسور، آزادنبودن زنان و مطبوعات و نویسندگان، جنگ طلبی، ماجراجویی و... تصویری تحریف شده و ناخوشایند از فرهنگ جامعه هدف در اذهان مردم دنیا ترسیم نمایند. طبیعی است که در این راه، زشت‌ترین و شیطانی‌ترین شیوه‌ها را نیز برمی‌گزینند.

بعد داخلی تهاجم فرهنگی غرب در کشورهای اسلامی به دو شیوه رخ می‌نماید: الف) ترویج اندیشه‌های غیراسلامی و گاه ضداسلامی، تبلیغ اندیشه‌های التقاطی، تقدس‌زدایی و توهین به مقدسات، سست‌نمودن پایه‌های اعتقادی جوانان نسبت به برخی از اصول و آرمان‌ها.

ب) تجددگرایی، علم‌زدگی و عقل‌گرایی افراطی، تلاش برای تطهیر غرب و غرب‌گرایی، بی‌اعتبارنشان دادن علوم و آموزه‌های اسلامی به بهانه تطابق نداشتن با دانش‌های نوین بشری، طرح جدایی دین از سیاست، ترویج بی‌حجابی و بدحجابی

و پوشش‌های مستهجن و خلاف شئون اسلامی، رواج مدهای غربی و بی‌بندوباری، تهیه و پخش فیلم‌ها و موسیقی‌های ضداخلاقی از خوانندگان فاسد، توزیع گسترده عکس‌های مبتذل، تولید و پخش مشروبات الکلی و مواد مخدر، چاپ و نشر کتب و مجلات ضداخلاقی، جنایی، عشقی و رومان‌های مبتذل، تشکیل مجالس لهو و لعب و... نمونه‌هایی از این دسیسه‌های دشمن‌اند؛ هرچند، ابزار تهاجم فرهنگی، منحصر به این موارد نیست و تمام موارد فرهنگ‌های مکتوب، شفاهی، عمومی و تصویری را دربر می‌گیرد. (مسگرزاد، ۱۳۷۳: ۴۶)

ابزار تهاجم فرهنگی

۱. زبان: جایگزینی زبان بیگانه در گفت‌وگوهای رسمی و عمومی؛
۲. کتاب و مجله: انتشار آنها بدون در نظر گرفتن تطابق آن با فرهنگ بومی؛
۳. وسایل ارتباط جمعی؛
۴. کالاهای مصرفی: ترویج تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی؛

۵. چاپ و توزیع عکس و پوستر، به گونه‌ای که در تضاد با مبانی فرهنگی قرار گیرد؛

راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی

امروزه بیشتر کشورها در پی راهکارهای کاهش تخریب و تضعیف فرهنگ خود از طریق رسانه‌های همگانی می‌باشند؛ هرچند در دنیای امروز، کشورها نمی‌توانند دیواری به دور خود بکشند و از برخورد فرهنگ جامعه خود با فرهنگ‌های بیگانه، در امان باشند؛ زیرا رسانه‌های همگانی همچون شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، مردم دنیا را از آخرین پیشرفت‌ها، مدها، ساخته‌ها و هنرها آگاه می‌کند. اگر فرهنگ جامعه‌ای توان خود را از دست بدهد و اگر مردمی از فرهنگ خود، گسسته شوند، قدرت درستی‌اندیشیدن از آنها سلب می‌گردد و در این دریای ارتباط، غرق می‌شوند. (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۱۰)

برای مقابله و مبارزه با یورش فرهنگی،



برنامه‌ریزی برای پیشرفت همه‌جانبه کشور و فراهم آوردن زمینه رفع نیازهای اقتصادی جامعه، به‌ویژه نیازهای جسمی و روحی نسل جوان، بیشترین نقش را در پایداری فرهنگ ملی و مصونیت در برابر فرهنگ مهاجم دارد.

جوان، بیشترین نقش را در پایداری فرهنگ ملی و مصونیت در برابر فرهنگ مهاجم دارد. نیازهایی چون تحصیلات کافی، شغل مناسب، امکانات تشکیل خانواده، امکانات گذران مناسب اوقات فراغت و ...

تدوین سیاست فرهنگی و تربیتی جامع
تدوین سیاست فرهنگی و تربیتی جامع از چند طریق امکان‌پذیر است.

الف) تقویت کمی و کیفی کالاهای فرهنگی داخلی در رسانه‌های جمعی داخلی

تأثیر رسانه‌های خودی در مبارزه با تهاجم فرهنگی، قطعی و انکارناپذیر است، ولی تا زمانی که جامعه به کاربرد و قدرت رسانه، فناوری اطلاع‌رسانی و هنر پیام‌رسانی آشنا نباشیم، نمی‌توانیم با مخاطبان خود ارتباطی منطقی و نتیجه‌بخش برقرار کنیم. بنابراین، باید با پیشرفته‌ترین روش‌های تبلیغی مانند روان‌شناسی تبلیغ و شناسایی افکار عمومی در مباحث روان‌شناسی اجتماعی و مباحث جدید جامعه‌شناسی ارتباطات، آشنا شد. افزون بر آن، با نگاهی جهانی و غیردفاعی، زمینه ترویج و تبلیغ فرهنگ خودی را فراهم آورد.

ب) استحکام مبانی تعلیم و تربیت اسلامی نوجوانان و جوانان
دین اسلام بیش از هر دین و مکتب دیگری،

روش‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بسیاری گفته شده که مهمترین آن از این قرار است:

شناخت دقیق و همه‌جانبه یورش فرهنگی

یکی از موارد مهم و اساسی در این مبارزه، شناخت ابعاد و ریشه‌های آن است؛ زیرا زمانی می‌توانیم در برابر این پدیده برنامه‌ریزی کنیم که از دشمن مهاجم و برنامه‌های او، آگاهی کافی داشته باشیم و متناسب با آن، سلاح تدافعی خود را به کار گیریم.

شناخت دقیق و کامل فرهنگ اسلامی و ملی

گام دوم در مبارزه با تهاجم فرهنگی، شناخت فرهنگ غنی اسلامی و عناصر فرهنگی آن است. افزون بر این، باید عناصر مقبول فرهنگ ملی و آداب و رسوم اجتماعی را ذخایر فرهنگی بالرش دانست و آنها را زنده نگه داشت. (فیاض، ۱۳۷۲: ۲۴۴-۳۴۵)
در این مورد، آگاه‌نمودن نوجوانان و جوانان و مأنوس کردن آنان با مفاخر فرهنگی اهمیت ویژه‌ای دارد.

اصلاح برنامه‌های علمی و اقتصادی
برنامه‌ریزی برای پیشرفت همه‌جانبه کشور و فراهم آوردن زمینه رفع نیازهای اقتصادی جامعه، به‌ویژه نیازهای جسمی و روحی نسل



کتاب‌های ترجمه؛

ل) از بین بردن روحیه مصرف‌گرایی؛
م) تقویت روابط خانوادگی و برخورد
دوستانه با جوانان؛
ن) آگاهی‌بخشی به مردم در مورد اهداف
فرهنگ‌سازان غربی.

نقش خانواده در مبارزه با تهاجم فرهنگی

پویایی معنوی و سیاسی هر جامعه به میزان حضور بالنده ارزش‌های دینی و ملی پذیرفته‌شده در آن جامعه و پایبندی افراد به آنها بستگی دارد. از این‌رو، بهترین راه سالم‌سازی و افزایش آمادگی جامعه در برابر ترفندها و دسیسه‌های پیچیده دشمن، تلاش برای حفظ، درونی‌سازی و گسترش ارزش‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است. خانواده، نخستین کانونی است که در این زمینه می‌تواند نقش‌آفرینی کند. پس از آن، مدرسه و دانشگاه باید به این جایگاه مهم آگاهی داشته باشند و به فراخور نیاز افراد در دوره‌های گوناگون سنی، آنان را یاری کنند؛ زیرا فراهم‌آوردن زمینه تغذیه سالم فکری برای نسل جدید، عبادت است. محیط خانواده، نخستین آموزشگاهی است که می‌تواند استعدادها و درونی اطفال را پروراند و به آنها درس شخصیت، رشادت و شهامت، بخشش و سخاوت، راستگویی، عفاف، امانتداری و بزرگ‌منشی بیاموزد و یا به عکس، صفات زشت و ناپسند و انحراف

به تربیت اهمیت داده است؛ تربیتی که انسان را در مسیر تکامل قرار دهد و به بارگاه قرب الهی برساند. پایبندی و باور به ارزش‌های والای انسانی یکی از راه‌های جلوگیری از یورش فرهنگی است. انسان مؤمن و معتقد به ارزش‌های دینی، اگر در جامعه‌ای آکنده از پستی‌ها و شهوات قرار بگیرد، سپری محکم از تقوا و ایمان خواهد داشت. از این‌رو، الگوهای رفتاری صحیح، نقشی اساسی در مقابله با فرهنگ بیگانه دارد.

ج) حفظ باورها و ارزش‌های اسلامی با احیای جلسات مذهبی؛

د) ارتقای کیفیت فعالیت‌های هنری و ایجاد مراکز هدایت‌گر؛

ه) گسترش فعالیت‌های برون‌مرزی نهادهای فرهنگی؛

و) ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی فرهنگی و جلوگیری از دخالت افراد غیرفهرنگی؛

ز) گسترش ارتباط‌های فرهنگی با کشورهای دارای منافع مشترک؛

ح) حفظ جریان‌های فرهنگی اصیل و حمایت از مدافعان واقعی آن؛

ط) مشارکت دادن نوجوانان و جوانان در فعالیت‌های فرهنگی؛

ی) تقویت پایه‌های تربیتی و اخلاقی افراد در خانواده و مدرسه؛

ک) بازنگری منابع درسی دانشگاهی به‌ویژه

والدین باید فرزندان را عادت دهند تا با مطالعه هدفدار،
تفریح‌های سالم و ورزش‌های گوناگون، از فرصت‌ها،
بهترین استفاده را بنمایند.



تربیت نادرست را آموزش دهد. تربیت خانوادگی ماندگارتر از هر تربیت دیگری است؛ زیرا کودک بیشتر وقت خویش را در خانواده سپری می‌کند و پیوسته رفتارهای خانواده را مشاهده، تقلید و پیروی می‌کند. او عادت‌ها، تجربه‌ها و مهارت‌ها را از اعضای خانواده فرا می‌گیرد و در خود به نموده‌های رفتاری تبدیل می‌کند. به همین دلیل والدین در راهنمایی و تربیت فرزندان مسئولیت سنگینی برعهده دارند. وظیفه خانواده در عرصه مقابله با تهاجم فرهنگی، بستن راه ورود فرهنگ مهاجم به خانه و درواقع مقاوم‌سازی نسل جوان است. درحقیقت برای جلوگیری از نفوذ و گسترش مفاسد و بازدارای نسل جدید از پیوستن به جرگه‌های فساد، باید شیوه صحیح تربیت اسلامی را در پیش گرفت. خانواده‌هایی که ضعف تربیتی دارند و در مقابله با تهاجم فرهنگی توانمند نیستند، خانواده‌هایی که بی‌حفاظ، مسئولیت‌گریز و نابسامان‌اند و آنها که از تربیت فرزندان، آگاهی و نیز احساس مسئولیت ندارند، بیشتر هدف این یورش قرار می‌گیرند. براین اساس، بهترین راهکار مقابله با تهاجم فرهنگی، پیشگیری از انحراف فکری جوانان است.

راههای پیشگیری از انحراف فکری جوانان

همانگونه که برای تأمین سلامت جسمی افراد جامعه، اولویت با پیشگیری و ایمن‌سازی افراد است، در تأمین سلامت فکری و اعتقادی جامعه نیز باید پاکسازی محیط از آلودگی‌های فکری، روانی و اعتقادی و پیشگیری از گسترش آن را در اولویت قرار داد. به همین دلیل سیاستگذاری‌های فرهنگی باید به‌گونه‌ای باشد که محیط خوب و سالمی برای

جوانان و نوجوانان فراهم آید. لازم است کارگزاران تربیتی، نهادهای فرهنگی و خانواده‌ها با برنامه‌ریزی منظم، افراد آسیب‌پذیر را شناسایی و برای ایمن‌سازی آنان اقدام کنند. همچنین افرادی که مورد تهاجم فرهنگی بیگانه قرار گرفته‌اند، باید شناسایی شوند تا با استفاده از روش‌های پیشگیرانه، آنان و دیگران از آلودگی بیشتر دور بمانند. در ارائه راهکارهای پیشگیری از فریب‌خوردن جوانان و نوجوانان و افتادن آنان در دام جریان‌های منحرف، باید به شرایط سنی، تفاوت‌های فردی، شرایط زمانی و مکانی و پایگاه فرهنگی و اجتماعی جوانان و نوجوانان توجه کرد. اینک شماری از این روش‌ها را برمی‌شماریم:

۱. نهادینه‌کردن باورهای دینی و پرورش اخلاق و فهم اجتماعی

در جامعه‌ای که در مقابل ارزش‌های اخلاقی احساس مسئولیت می‌شود و در برابر زیرپا گذاشتن آنها واکنش نشان داده می‌شود، ارزش‌ها و ضدارزش‌های اخلاقی به تدریج در وجود اعضا نهادینه می‌شود. افزون‌تر اینکه افراد با سلسله‌مراتب ارزش‌ها و ضدارزش‌ها نیز آشنا می‌شوند؛ زیرا می‌بینند که جامعه در برابر تخلف از برخی ارزش‌ها، واکنش شدید و در مقابل تخلف از برخی دیگر، واکنش کمتری نشان می‌دهد. همچنین درمی‌یابد که کدام ثابت و کدام متغیر است، در کجا باید رعایت شوند و در کجا رعایت آنها لازم نیست. رعایت ارزش‌ها، تأیید و واکنش مثبت دیگران را در پی دارد و رعایت‌نکردن آنها با واکنش منفی روبه‌رو می‌شود. همین سبب می‌شود رعایت ارزش‌ها با تجربیات خوشایند و زیرپانهدان آنها با تجربیات ناخوشایند، شرطی شود. بدین ترتیب، فرد کم‌کم با ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌شود

و آنها را درونی می‌کند. در نتیجه، نظام ارزشی مطلوب در فرد شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود.

افزون بر پرورش پسندها و از میان‌بردن ناپسندها از طریق پرورش توانایی پایبندی عملی به ارزش‌های اخلاقی، بخش دوم تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، پرورش فهم و تعقل اخلاقی است؛ چرا که در سیره آنان، پسندیده‌های اخلاقی، بدون فهم و شناخت و آگاهی، ارزشی ندارد.

در این مورد، وظیفه مهم والدین این است که از کودکی تا نوجوانی و جوانی، به تدریج و با حکمت، در آنان بینش و بصیرت عقیدتی را ایجاد نموده و رشد دهند. مقصود از بینش عقیدتی آن است که:

- نوجوان و جوان دریابد اسلام هم دین است، هم قانون حاکمیت؛ در امور سیاست و حکومت، هر دو دخالت می‌کند. اسلام دینی جاودانه است و برای تمامی شرایط زمانی و مکانی، توانایی حل مشکلات بشری را دارد. شمول و کمال و تازگی و جاودانگی، اسلام را از سایر مکاتب متمایز می‌کند.

- او بداند که قرآن عظیم، قانون و راه و رسم زندگی فردی و اجتماعی را به ما می‌آموزد.

- نوجوان و جوان باید از جنبه روحی و فکری به فرهنگ اسلامی مجهز شود و به شیوه‌ای مناسب با دعوت اسلامی آشنا شده، در آن سهیم باشد.

- او باید با نقشه‌های شوم دشمنان اسلام و یورش‌های آنان، به‌ویژه در جبهه فرهنگی آشنا باشد و بداند نقشه‌های خائنانه دشمنان برای نابودی باورهای اسلامی و کاشتن بذر بی‌دینی در نسل مسلمان دنیای امروز است.



در جامعه‌ای که در مقابل ارزش‌های اخلاقی احساس مسئولیت می‌شود و در برابر زیرپا گذاشتن آنها واکنش نشان داده می‌شود، ارزش‌ها و ضدارزش‌های اخلاقی به تدریج در وجود اعضا نهادینه می‌شود.

از میان راه‌های ایجاد بینش عقیدتی در نوجوانان و جوانان، می‌توان به آموزش دقیق، عرضه الگوی شایسته، نهادینه کردن مطالعه همه‌جانبه و فراگیر و راهنمایی در انتخاب دوستان صالح و شایسته اشاره کرد.

همانگونه که گفته شد، بنیادی‌ترین روش پیشگیری از فریب خوردن جوانان، گسترش زمینه‌های شناخت آموزه‌های الهی و درونی‌سازی باورهای مذهبی است. از آنجا که «مذهب» و «خدایپرستی» در آیین فطرت انسان، نقش بسته و «کمال‌جویی» در نهاد انسان نهفته است، کافی است پدران، مادران و کارگزاران فرهنگی با برنامه‌های تبلیغی و هدایتی، فطرت خداجوی جوانان و نوجوانان را شکوفا سازند. افزایش آگاهی‌ها به همراه دستیابی به معرفت و باورهای دینی باید به گونه‌ای باشد که جوانان در برابر تبلیغات دشمن، ایمن شوند.

۲. بسترسازی حضور جوانان در مکان‌های مذهبی

انسان برای ادامه زندگی و تأمین نیازهای خود، با محیط ارتباط برقرار می‌کند. محیط نیز مواهب خود را به رایگان در اختیار انسان قرار نمی‌دهد و در مقابل مواهب خود، بر شخصیت و رفتار و گفتار وی تأثیر می‌گذارد. اگر محیط صالح باشد، به‌طور معمول رفتار فرد نیز صالح خواهد بود و به‌عکس، محیط فاسد کم‌کم انسان را فاسد کرده و او را به‌سوی رفتارهای ناشایست سوق می‌دهد. به همین سبب می‌توان گفت در بیشتر موارد، تربیت اخلاقی بدون محیط سالم امکان‌پذیر نخواهد بود. شاید به همین دلیل، پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) از محیط‌های ناسالم دوری می‌کردند و پیروان خود را از ورود به چنین مکان‌هایی باز می‌داشتند. نتیجه پژوهش‌های انجام‌شده در روان‌شناسی نیز بیان می‌کند که حضور عوامل نامناسب، انسان را به‌سوی رفتارهای ناپسند سوق می‌دهد. اسمیت (Smith) و مکی (Mackie) می‌نویسند:

برخی تحقیقات نشان داده‌اند که حضور برخی عوامل در جامعه، موجب رفتارهای

خاصی می‌شوند. برای مثال، برکویتز می‌گوید: حضور اسلحه و دیگر ابزارهایی که برای خشونت به کار می‌روند، رفتارهای خشن را افزایش می‌دهند و این مطلب در مورد افراد آرام هم صادق است.

همچنین تحقیقات مختلف نشان داده است که تماشای خشونت در تلویزیون می‌تواند موجب افزایش رفتار خشونت‌آمیز گردد و نبود عواملی که تداعی‌کننده خشونت هستند، موجب کاهش رفتارهای خشن می‌شوند. (داودی، ۱۳۸۷: ۱۱۵)

از این‌رو، در مورد تهاجم فرهنگی می‌توان گفت فراهم‌آوردن زمینه حضور جوانان و نوجوانان در مساجد و نماز جمعه و بهره‌گیری آنان از برنامه‌های سازنده و روح‌بخش مذهبی، جوانان را با خدا مانوس می‌سازد و به زیور خوبی‌ها و زیبایی‌ها آراسته می‌گرداند.

۳. تشویق به مطالعه کتاب‌های دینی

ممکن است برخی نوجوانان به دلیل تبلیغات رسانه‌های گروهی، نسبت به آگاهی از مسائل دینی احساس بی‌نیازی کنند و انگیزه‌ای برای مطالعه نداشته باشند. باید کوشش شود این احساس کاذب از میان برود و انگیزه مطالعه فراگیر در آنان ایجاد شود. این رفتار باید از کودکی در فرد نهادینه شود. منظور از مطالعه فراگیر آن است که مربی کم‌کم و تناسب توانایی فکری و عقلی فرد، از نقطه‌ای مشخص آغاز نماید و به نهایی شایسته پایان دهد. برای رسیدن به این مقصود، در سنی که کودک قادر به تعقل و تمیز است، می‌توان مجموعه‌ای از کتاب‌های داستانی، دینی سرگذشت بزرگان، حکایات نیکان و اخبار صالحین را تهیه نمود و در اختیار او قرار داد. همچنین، می‌توان کتاب‌هایی درباره نظام اخلاقی، عقیدتی و سیاسی اسلام را در اختیار آنان قرار داد.

پس از تثبیت نظام فکری، نوبت کتاب‌هایی است که از دسیسه‌ها و نقشه‌های شوم صهیونیسم جهانی و مادی‌گرایان بر ضد اسلام و مسلمین بحث می‌کند. مجلات و روزنامه‌هایی که اخبار روز را بیان کرده و

درباره راه حل مشکلات و معضلات فعلی مسلمین بحث می‌کند و به شیوه‌ای مطلوب و روشی مناسب، مواضع صحیح را به مسلمانان نشان می‌دهد، باید در دسترس نوجوان و جوانان قرار گیرد. البته باید به این نکته مهم نیز توجه کرد که کتاب‌ها و نشریات باید با رعایت شرایط سنی، فرهنگی و فکری نوجوان و جوان همراه باشد تا بیشترین فایده و بهترین نتایج را به‌بار آورد.

تردیدی نیست که مربیان و والدین با رعایت این مراحل، توانایی فکری آنان را پرورش داده و به فرهنگ غنی و ارزشمند اسلامی مجهز می‌نمایند و به این ترتیب، با یورش‌های همه‌جانبه دشمنان مقابله می‌کنند. (علوان، ۱۳۸۸: ۲۸۶ و ۲۸۷)

۴. تشکیل جلسه‌های مذهبی و ایجاد سرگرمی مناسب

یکی از عوامل مهم انحراف نوجوانان و جوانان، استفاده نادرست از زمان‌های بی‌کاری است. مربیان و والدین باید از نیروی جوانی، جنب‌وجوش و انرژی سرشار جوانان بهره و استفاده مطلوب را ببرند تا نوجوانان و جوانان از اوقات فراغت خویش در حفظ سلامتی و پرورش جسمی بهره گرفته، نشاط زندگی را تجربه کنند. اگر جایگاه ویژه‌ای برای بازی و تفریح سالم و تمرین‌های ورزشی و فعالیت‌های علمی و تحقیقی برای نوجوانان و جوانان ایجاد نشود، نیروی سرشار آنان به هدر می‌رود و به جای کارهای مثبت و مفید، به هم‌صحبتی و همراهی با دوستان ناباب و ناصالح می‌پردازند و یا به سوی برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای ترویج‌کننده فرهنگ غربی می‌روند و به سوی انحراف و بدبختی کشیده خواهند شد.

فیلم‌ها، مجلات و نشریات زینباری که بیشتر جنایی یا ترویج‌کننده فرهنگ مبتذل غرب‌اند، باعث برانگیخته‌شدن احساسات جنسی در جوانان می‌شود و حس ارتکاب به جرم و جنایت را در آنان افزون می‌سازد. والدین باید بدانند که این فیلم‌ها، از

خطرناک‌ترین عوامل تربیت‌اند که در صورت نبودن امکان تفریح سالم، جوانان به سوی آنها جذب می‌شوند.

نکته مهم دیگر اینکه اگر نوجوان و جوان در بستر فاسد و منحرفی قرار گیرد و دچار لغزش روحی شود، دیگر نصیحت پدر و مادر و مربی را نخواهند پذیرفت. بنابراین، پدر و مادر و خانواده باید عواملی را که سبب انحراف عقیدتی و اخلاقی فرزندان و جوانان می‌شود، از میان بردارند. یکی از راهکارهای آن، ایجاد سرگرمی‌های مناسب برای پرکردن اوقات فراغت جوانان است.

اسلام با رهنمودهای بلند و حکیمانه‌اش، راه بهره‌گیری از نیروها و اوقات فراغت را به شیوه‌ای عملی روشن ساخته است. اولین گامی که در این راه برمی‌دارد، در مورد اندیشه و فعالیت روحی است. این راهکار، عبادت است که در کامل‌ترین شکل خود یعنی نماز، تجلی می‌کند و توصیه می‌کند که عبادات به‌ویژه نماز را از همان ابتدا به کودکان خویش بیاموزید؛ زیرا نماز پایه دین و ستون آن است که فواید روحی و جسمی زیادی دارد و اثرهای شگفت‌انگیزی در اخلاق و شخصیت انسان برجای می‌گذارد.

از وسایل و عوامل سودمند دیگری که می‌توان برای پرکردن اوقات فراغت جوانان و نوجوانان از آن بهره برد، ورزش‌هایی چون اسب‌سواری، شنا، کشتی، دومیدانی و آموزش‌های نظامی است. والدین باید فرزندان را عادت دهند تا با مطالعه هدفدار، تفریح‌های سالم و ورزش‌های گوناگون، از فرصت‌ها، بهترین استفاده را بنمایند. برای رشد فکری و مطالعه سودمند، ساختن و توجه به کتابخانه‌های بزرگ و مجهز نیز ضروری است. (همان: ۱۱۶ و ۱۱۷)

بنابراین، با تشکیل جلسه‌های آموزش مسائل دینی، سیاسی و اجتماعی، گردش‌های دسته‌جمعی و جلسه‌های دعا و نیایش که از هدف‌های رفتاری مشخص و درازمدت برخوردارند، می‌توان علاقه جوانان



محیط خانواده، نخستین
آموزشگاهی است که
می‌تواند استعدادها
درونی اطفال را پروراند
و به آنها درس شخصیت،
رشادت و شهامت،
بخشش و سخاوت،
راستگویی، عفاف،
امانتداری و بزرگ‌منشی
بیاموزد و یا به عکس،
صفات زشت و ناپسند
و انحراف و تربیت
نادرست را آموزش دهد.



اگر نوجوان پیوسته با رفتار خشن والدین روبه‌رو شود و پی‌درپی سرزنش گردد، در مقابل این رفتارها واکنش بدی نشان خواهد داد که اثر آن در اخلاق و شخصیت وی بروز می‌کند.

را به این امور جلب کرد. در این زمینه می‌توان از هنر و ادبیات نیز در انتقال باورهای دینی بهره برد. نمایش فیلم‌های سودمند با درون‌مایه مذهبی، گزارش‌های مستند جنگ تحمیلی و بازدید از مناطق جنگی، در تقویت دین‌باوری نسل جوان مؤثر است. (خدایاری فرد، ۱۳۷۲: ۹۸)

۵. تشکیل جلسه‌های پرسش و پاسخ و گفت‌وگو

با توجه به اینکه جهان‌بینی، زیربنای بایدها و نبایدها و انتخاب‌های ارزشی و اخلاقی است و فرهنگ غنی قرآن و عترت (ع) بر اساس جهان‌بینی توحیدی استوار است؛ تشکیل و گسترش نشست‌های بحث در مورد اصول عقاید و رفع ابهام و تردیدهای عقیدتی از نسل جوان در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها ضروری است، تا این نسل از گذرگاه تردید بیرون آید و متوقف نگردد.

برای نتیجه‌گیری مطلوب از این برنامه، باید میدان برای طرح اشکال و ابهام عقیدتی نسل جوان باز باشد تا بتواند آنها را آزادانه و صادقانه بیان دارند و افراد آگاه و متخصص، با بحث‌های عقلی و منطقی، جوابی قانع‌کننده و خالی از نقص و نقض به آنان بدهند.

باید پذیرفته شود که سکوت و کم‌رنگی مباحث اعتقادی در میان نسل جوان امروز، ناشی از وجود باورهای توحیدی نیست، بلکه ناشی از نبودن زمینه طرح و ابزار است که باید بدان توجه شود. اگر این مهم مورد توجه قرار نگیرد، امکان توفیق تهاجم فرهنگی غرب فزونی می‌یابد.

۶. فراهم آوردن محیط دوستانه در خانواده

اسلام، پدران و مادران را در پرورش اخلاقی فرزندان خویش، مسئول می‌داند

و یکی از وظایف اساسی و حساس آنها را تربیت فرزند دانسته است. پدران و مادرانی که با سهل‌انگاری از تربیت فرزندان خود سرباز می‌زنند، از دیدگاه دید و اجتماع، خطاکارند؛ چرا که فرزند نالایق و فاسد، افزون بر اینکه برای پدر و مادر خود زیان‌آور است، مزاحم و سربرابر اجتماع نیز خواهد بود. محبت و خوش‌رفتاری در تربیت نقش بسیار مهمی دارد و احساسات و عواطف کودک را شکوفا و بارور می‌سازد. از سوی دیگر، عقده‌های روانی و کمبود عواطف، دامن‌گیر فرزندان نمی‌گردد.

رسول اکرم (ص) درباره پرورش اخلاقی کودکان فرمود: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ فَانْتُم مَسْئُولُونَ» (قمی، ج ۲: ۲۷۸) فرزندان خود را تربیت نمایید؛ چه در برابر آنان، مسئولیت بس بزرگی دارید. «امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «اَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسَنُوا أَدَابَهُمْ» (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۲۳: ۱۱۴) کودکان خود را بزرگ و گرامی داشته، خوب تربیت نمایید.»

به این نکته باید توجه نمود که رفتار بد با کودک، از عوامل انحراف فرزندان است و در مورد این تأثیر، صاحب‌نظران امور تربیتی و پرورشی هم‌نظرند. اگر نوجوان پیوسته با رفتار خشن والدین روبه‌رو شود و پی‌درپی سرزنش گردد، در مقابل این رفتارها واکنش بدی نشان خواهد داد که اثر آن در اخلاق و شخصیت وی بروز می‌کند. چنین فرزندگی یا به مقابله با والدین خواهد پرداخت و با آنها جدال خواهد کرد، یا خانواده را ترک خواهد کرد تا خود را از رفتارهای آزاردهنده رها نماید و یا... . جای هیچ تعجیبی نیست که چنین فردی به مجرمی تبه‌کار تبدیل شود و به جای تکامل در مسیر صحیح به انحراف و بی‌بندوباری کشیده شود.

نکته مهم دیگر در این‌باره، هماهنگی والدین و نیز هماهنگی خانواده با دیگر مراکز تربیتی در تربیت فرزند است تا آموزه‌های اخلاقی و دینی آنان مؤثرتر واقع شود.

۷. انتخاب دوستان شایسته

گاهی همه عوامل تربیتی فراهم است، ولی مراد با دوستان ناباب فرد را منحرف کرده، از هدایت و رشد بازمی‌دارد. (فتاحی، ۱۳۷۷: ۶۱) این عامل زمانی بیشتر خودنمایی می‌کند که فرد رشد ذهنی مناسبی نداشته یا ضعف عقیدتی دارد. در چنین مواردی فرد خیلی زود از دوستان ناباب خود تأثیر گرفته و همراه آنان به راه جرم و بدبختی گام می‌نهد تا جایی که از این مرحله، بازگرداندن او به راه راست و نجات از باتلاق بدبختی و انحراف بسیار مشکل است.

یکی از نکات مهم در آموزه‌های تربیتی که باید والدین و مربیان به آن توجه نمایند، دوستان نزدیک فرزندان آنها است. این موضوع در سن نوجوانی و جوانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. باید بر رفت و آمدهای فرزندان نظارت و آنها را راهنمایی کنند تا دوستان شایسته‌ای برگزینند که آداب مطلوب و اخلاق ارزشمند و عادات پسندیده را از آنان کسب کنند و آنان را از همنشینان ناشایست و رفیقان بد، بر حذر دارند تا در دام گمراهی و انحراف و تهاجم فرهنگی، گرفتار نشوند.

از آنجا که نوجوانان در سن بلوغ، بسیار حساس‌اند، نباید در این دوره با سختی و خشونت با آنان رفتار کرد. اگر افراد خانواده به‌ویژه پدر و مادر، به نیازهای عاطفی و روان‌شناختی جوانان و نوجوانان در محیط خانواده توجه کنند، آنان انگیزه‌ای برای دوستی با افراد ناباب نخواهند داشت. پس

بدران و مادران باید بکوشند محیطی آرام و سرشار از محبت و احترام برای جوانان خود فراهم آورند. (قائمی، ۱۳۷۰: ۲۰۵)

نتیجه‌گیری

در زندگی بشر همواره فرهنگ جاری بوده و جامعه‌ای که فرهنگ ویژه‌ای ندارد، مرده است. فرهنگ بالنده، برای تکامل، باید توانایی تبادل با سایر فرهنگ‌ها و جذب بخش‌های مثبت آن را داشته باشد. بنابراین، تمام فرهنگ‌ها با یکدیگر در تعامل اند. از سویی، در عصر حاضر نظام سرمایه‌داری به سرپرستی آمریکا که با تک‌قطبی شدن جهان و فروپاشی رژیم شوروی سابق، یک‌تاز عرصه جهانی شده است، به شکل‌های مختلف می‌کوشد تا نظرهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را به تمام کشورهای جهان، تحمیل کند و فرهنگ متناسب با منافع درازمدت خود بر جهان حاکم سازد. از سوی دیگر، سایر ملت‌ها نیز در برابر این زیاده‌خواهی آمریکا برای حفظ و پاسداری از فرهنگ ملی و بومی خود مقاومت می‌کنند و فرهنگ اسلامی توانسته در صدسال اخیر در برابر این هجوم، اصالت خود را حفظ کند.

استعمارگران، اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله درونی است. آنان می‌خواهند ارزش‌های موردپسند خود را ارزش‌های مترقی جلوه دهند و جایگزین معیارهای بومی و فطری ملت‌ها سازند و از این راه، بدون دغدغه از آینده منافع خود در این کشورها مطمئن باشند. این جمع‌بندی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، مبنای فعالیت‌های سازمان‌یافته گسترده‌ای قرار گرفته که غرب آنها را معیارهای تمدن، رشد و توسعه معرفی می‌کند، ولی در فرهنگ ملت‌ها، از این کارها با تعبیر مختلفی یاد می‌شود که مفهوم مشترک آنها در تعبیر «هجوم فرهنگی» نهفته است.

مقاوم‌سازی نسل در برابر توطئه‌ها و قطع زمینه‌های تهاجم‌پذیری، در درون خانواده‌ها

و با تربیت صحیح فرزندان ممکن می‌باشد. در اهمیت خانواده همین بس که خانواده از نهادهای بنیادین جامعه انسانی است که همواره به اشکال گوناگونی در تاریخ وجود داشته است. این نهاد با کارکردها و نقش‌های مختلفی که برعهده دارد، در تنظیم زندگی اجتماعی انسان نقش مهمی ایفا می‌کند؛ چه انسان در درون خانواده متولد شده، رشد یافته و بسیاری از امور و مفاهیم را از خانواده فرا می‌گیرد و همواره با آن سروکار دارد. مهم‌ترین تجربه‌های انسانی که اساسی‌ترین عوامل شکل‌دهنده شخصیت است، در درون خانواده نمود پیدا می‌کند و آموختن زبان، آداب و رسوم و برقراری روابط اجتماعی، ظهور اندیشه‌ها و همچنین جهت‌دهی به شخصیت انسان، از خانواده آغاز می‌شود. از این رو، خانواده تأثیر ژرفی بر دیگر نهادهای اجتماعی دارد. برای مقابله با تهاجم فرهنگی نیز خانواده‌ها می‌توانند با تربیت دینی فرزندان خود نقش ارزشمند خود را در جامعه و به‌ویژه در جامعه اسلامی به ظهور برسانند.

نهادینه‌کردن باورهای دینی، بسترسازی برای حضور جوانان در مکان‌های مذهبی، تشویق جوانان و نوجوانان به مطالعه کتاب‌های دینی، تشکیل جلسه‌های مذهبی، ایجاد سرگرمی‌های مناسب، انتخاب دوستان شایسته، تشکیل جلسه‌های پرسش و پاسخ و فراهم‌آوردن محیط دوستانه، از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از انحراف فکری جوانان و مقابله خانواده با تهاجم فرهنگی بیگانگان است.

منابع

افتخاری، اصغر و علی‌اکبر، کمالی (۱۳۷۷). رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
پانوف، میشل (۱۳۶۸). فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه علی‌اصغر عسکری خانقاه، تهران: ویس.
پایان، نوشین و مطبوع، نیره (۱۳۷۸). «بررسی عوامل مؤثر در استحکام زندگی ناشویی دانشجویان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی.
جاودانی شاهدین، حمید (۱۳۸۲). «درآمدی بر

شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی و نحوه مقابله با آن»، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۳۵. خدایاری‌فرد، محمد (۱۳۷۲). مسائل نوجوانان و جوانان، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
خرم، مسعود (۱۳۷۸). هویت، تهران: حیان.
خزعلی، مریم (۱۳۷۶). «خانواده و فرهنگ عمومی»، مجله پیوند، شماره ۲۱۷.
داودی، محمد (۱۳۸۷). سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع): تربیت اخلاقی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۲). زمینه فرهنگ‌شناسی، پویایی و پذیرش، تهران: عطار. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۷۳)، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری (مدظله)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

شفیعی سروسستانی، اسماعیل (۱۳۷۲). تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران، تهران: سازمان انتشارات کیهان.

صلاحی، جاوید (۱۳۷۶). تهاجم فرهنگی و مقابله با آن، مشهد: دانشگاه فردوسی.

علوان، عبدالله (۱۳۸۸). چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم؟، ترجمه عبدالله احمدی، تهران: احسان.

فتاحی، حمید (۱۳۷۷). با جوانان در ساحل خوشبختی، قم: الهادی.

فیاض، محمد سعید (۱۳۷۲). درآمدی بر تهاجم فرهنگی غرب، تهران: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قائمی، علی (۱۳۷۰). «خانواده و مسائل نوجوان و جوان»، مجله شفق، شماره ۵.

قمی، عباس (۱۳۵۹). سفینه‌البحار و مدینه‌الحکم و الآثار، جلد ۲، ۸۷۲.

قیصی‌زاده، یونس (۱۳۶۳). «خصوصیات فرهنگی»، مجله اطلاعات علمی، شماره ۲۸.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۸). بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

مسگرزاد، جلیل (۱۳۷۳). «جایگاه ادبیات و علوم ادبی در بازسازی تهاجم فرهنگی»، مجموعه مقالات کنفرانس تهاجم فرهنگی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶). تهاجم فرهنگی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

هدایت‌خواه، ستار (۱۳۷۷). تهاجم فرهنگی، تهران: انتشارات معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.